



ستار، کارگری که زندگی و مرگش افشاگر جنایت بود!

قتل وحشیانه ستار بهشتی، کارگر ۲۵ ساله و ویلاگ نویس منتقد حکومت در سیاهچال های رژیم جمهوری اسلامی در اثر شکنجه های قرون وسطایی مزدوران آن، خشم و کینه عمیق توده های ستمدیده و هر انسان با وجدان و شرافتمندی را بر علیه این رژیم سرکوبگر به مثابه عامل این جنایت هولناک برانگیخته و بر می انگیزد. آنچه بی هیچ شکلی در نگاه اول راجع به مرگ فجیع ستار بهشتی، بدست دژخیمان جمهوری اسلامی جلب نظر می کند، اوج بربریت و ددمنشی نظامی ست که اصولاً بدون چنین جنایات سبعانه ای قادر به کنترل جامعه ملتبه ما و حفظ حاکمیت ضد خلقی خویش در اوضاع بحرانی فعلی نیست.

دژخیمان جمهوری اسلامی ستار را دستگیر و تنها پس از چند روز به ناگهان و با قساوت شایسته جانپان بالفطره، خانواده دردمند و نگران او را احضار و در کمال ناباوری از آنها خواستند که برای عزیز بر پر شده شان، ستار، "قبر" تهیه کنند. او به همین راحتی همچون پرنده ای بی دفاع و بی گناه در دام صیاد قفسی القلب، اسیر شد و در دستان این صیاد وحشی و خونخوار یعنی رژیم تبهکار جمهوری اسلامی بر پر شد. مقامات دروغگو و جنایتکار جمهوری اسلامی کوشیدند تا به سیاق رفتار ضد خلقی همیشگی خود، به همان صورت که در موارد قتل اسرابری چون زهرا کاطمی ها، ترانه موسوی ها، زهرا بنی یعقوب ها و ده ها و صد ها و هزاران قربانی دیگر انجام داده بودند، پرونده این جنایت کثیف خویش را نیز در کمال خونسردی ببندند و ضمن تهدید و ارباب خانواده ستار جنازه کوفته و در هم شکسته وی در زیر شکنجه را مدفون کنند. اما پایداری خانواده دلاور ستار و فریاد آنها مبنی بر اینکه "افتخار" می کنند که بستگان ستار بوده و عزیزشان را در راه آزادی از دست داده اند، از یکسو و افشای هر چه وسیعتر رسوایی خفت بار ناشی از ارتکاب به این جنایت ننگین باعث شد که سران رژیم در پیشبرد توطئه خود شکست بخورند. مساله مرگ مظلومانه ستار در عین حال با فرار گرفتن در میدان تصفیه حساب های جلادان ضد خلقی حاکم با یکدیگر، هر چه بیشتر برجسته شد و این مرگ افتخار آفرین بر بستر دروغگویی ها و اتهام زنی های آنها به یکدیگر چهره ضد خلقی و واقعی کل حکومتیان را هر چه بیشتر افشا کرد.

تبهکاران حاکم که مدتهاست بر بستر بحران های مرگبار گریبانگیر حاکمیت خود در کشمکش بر سر قدرت و چگونگی سرکوب توده ها درگیر جدالی نامقدس هستند، در هنگام افشای چگونگی مرگ این کارگر آگاه در افکار عمومی، هر یک کوشیدند که با مقصر جلوه دادن "رقیب" در قتل فجیع ستار، خود و مهمتر از آن نظام وابسته و خونخوار جمهوری اسلامی را در این جنایت "بیگناه" جلوه داده و با وعده "پیگیری" پرونده مرگ "مشکوک" ستار، عاملان آن را به بدست "قانون" بسپارند. اما کیست که نداند که تحت نظام استثمارگرانه حاکم بر جامعه ما، نظامی که با شکنجه و دار استقرار و ادامه یافته، زبان کارگران را می برد و هر جا هم که لازم شد مخالفین خود را بی هیچ ای ترور و سر به نیست می کند، آری در چنین نظامی، "قانون"، معنایی جز حفظ منافع طبقه استثمارگر حاکم به قیمت سرکوب وحشیانه توده ها ندارد. در چارچوب "قانون" چنین نظامی ست که کهنظامی که اعمال زور و شکنجه و قهر و در یک کلام دیکتاتوری مطلق العنان جزء ذاتی حیات روزمره آن است، نظامی که خون کارگران را در شیشه کرده، نظامی که با نیمی از جامعه یعنی زنان همچون برده برخورد می کند، نظامی که تحمل کوچکترین مخالفتی را ندارد و با احساس کوچکترین خطر، هر صدای مخالفی را در گلو خفه می کند، رژیمی که جمهوری اسلامی به مثابه دشمن اصلی توده ها با زندان و شکنجه و دار پاسخ می گیرد.

صفحه ۲

باز هم در باره "آلترناتیو"

در چهارچوب تبلیغاتی که قدرتها غربی بر علیه "خطر" پروژه هسته ای جمهوری اسلامی سازمان داده اند و به دنبال تشدید تحریم هائی که بر علیه این رژیم اعمال شده، ما شاهد تلاشهای جهت متحد کردن برخی از مخالفین جمهوری اسلامی بوده و هستیم. کنکاش در این تلاشها مبین آن است که به واقع یکی از روشهایی که این قدرتها جهت تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی در پیش گرفته و به این وسیله می کوشند جدیت مخالفت خود با این رژیم و یا سیاستهای آن را در افکار عمومی بیشتر جا بیندازند همین "آلترناتیو سازی" برای جمهوری اسلامی می باشد.

در این چهارچوب هر روز خبری مبنی بر تجمع تعدادی از سازمانها و افراد مخالف جمهوری اسلامی در این یا آن "کنفرانس" به گوش می رسد که در طی آنها برخی از چهره های شناخته شده قدرتها امپریالیستی برای به اصطلاح شخصیتهای "اپوزیسیون" سخنرانی کرده و راه متحد شدن آنها و جایگزینی شان به جای جمهوری اسلامی را به آنها آموزش می دهند. از نشست استهلمک و پاریس تا کنفرانس واشنگتن و بروکسل و اخیراً هم نشست پراگ، در همه جا شاهد بوده و هستیم که چگونه قدرتها امپریالیستی دارند برای سازمانها و افرادی که به تغییر رژیم به وسیله این قدرتها دلخوش کرده اند جلسه گذاشته و آنها را آموزش داده و مثلاً متحد می کنند. البته کسانی هم که به چنین کنفرانس های دل خوش کرده اند، هم خود فریبند و هم مردم را فریب می دهند و گرنه هر کس کمترین شناختی از سیاستها قدرتها بزرگ امپریالیستی داشته باشد قادر است بفهمد که این بازی ها الزاماً برای متحد کردن اپوزیسیون و جایگزینی واقعی این دارو دسته ها به جای جمهوری اسلامی نیست؛ بلکه بیشتر عامل فشاری است بر این رژیم. البته همین واقعیت بهانه ای هم به دست مانشین تبلیغاتی جمهوری اسلامی می دهد تا با تکیه به نقش امپریالیستها و آمریکا و نهاد های امنیتی شان در برگزاری چنین جلساتی، نه فقط این اپوزیسیون سازشکار بلکه کل اپوزیسیون را "وابسته" به قدرتها غربی نشان داده و بکوشند تا در میان توده ها، نیروهای انقلابی و واقعاً مردمی مخالف رژیم جمهوری اسلامی را نیز منزوی سازد. یکی از نتایجی که این تلاشهای ضد انقلابی در بر دارد این است که این نیرو ها و افراد معلوم الحال بلندگوئی می شوند برای تبلیغ "مجزئه" دخالتهای امپریالیستی در امور ایران و ایجاد دلخوشی در افکار عمومی نسبت به این بیراهه ضد مردمی. بر چنین اساسی است که مردم ما بیش از هر زمان دیگری باید دشمنانشان را در چهره های مختلف شناخته و برای مبارزه با آنها آماده شوند؛ و جای امیدواری است که مردمی که تجربه جایگزینی خمینی به جای شاه در کنفرانس گوادالوپ را در مقابل خود دارند هرگز به افراد و نیرو هائی که جاده صاف کن امپریالیستها شده و خود را در واقع به آنها فروخته اند اعتماد نکرده و تره هم برایشان خرد نخواهند کرد. در حال حاضر استراتژی جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا از یک طرف و وضعیت ملتبه جامعه تحت سلطه ما به دلیل رشد هر چه فزوتتر خشم و نفرت توده ها از رژیم حاکم و موقعیت بحرانی جمهوری اسلامی از طرف دیگر شرایط پیچیده ای را بوجود آورده است.

یکی از پیچیدگی های شرایط کنونی برای مردم ما از این واقعیت نشات می گیرد که در سالهای اخیر با شدت گیری بحران نظام سرمایه داری جهانی و قرار گرفتن استراتژی جدید امپریالیسم آمریکا بر توسعه بلامناع سلطه خویش، تنشهای امپریالیستی در سطح جهان بر سر چگونگی تجدید غارت و استثمار کارگران و خلقهای تحت ستم ایران و تقسیم مجدد منابع طبیعی آن نیز در میان امپریالیستها بالا گرفته و موجودیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نیز بطور طبیعی به یکی از اجزاء این معادله و چگونگی فرجام آن بدل شده است. در چنین شرایطی ست که ما شاهد تحرک گسترده امپریالیستها برای آماده کردن زمینه های مادی سیاستهای ضد انقلابی آتی شان در ایران هستیم.

صفحه ۲

باز هم در باره "آلترناتیو"... از صفحه ۱

امپریالیستها و در راس آنها آمریکا از یکسو با مطرح کردن "گزینه نظامی" چماق جنگ و کشتار را در بالای سر مردم ایران نگاه داشته اند و از سوی دیگر درست در همان زمان با تلاش برای آلترناتیو سازی و نفوذ در جنبشهای توده ای اجتماعی در صدد تحمیل پروژه های ضد انقلابی خود بر جنبش مردمی، به انحراف کشاندن مبارزات و سرکوب مبارزات آنها به منظور حفظ مناسبات ارتجاعی و استثمارگرانه موجود و در نتیجه در انقیاد نگاه داشتن کارگران و خلقهای تحت ستم ما برای یک دوره دیگر می باشند. آنان همین سیاست نفوذ در صف خلق از طریق افراد خود فروخته و اشاعه نظرات انحرافی و با آلترناتیو سازی ضد انقلابی را در شکلی دیگر در زمان رشد جنبش توده ای بر علیه سگ زنجیریشان شاه نیز به پیش بردند و از میان دارو دسته های مختلف با تحمیل رهبری دار و دسته خمینی بر جنبش مردم ما که البته کمک نیروهای سازشکار و ایوتونیست نیز در این رابطه باید به حساب آید، حفظ و تداوم سلطه خویش را با اتکا بر رژیم دارو شکنجه جمهوری اسلامی میسر ساختند. همین سیاست در اشکال متفاوت در بسیاری از کشورهای دیگر نظیر عراق و مصر و لیبی اجرا شده و امروز نیز به طور برجسته در سوریه در حال اجراء است. با توجه به همه این تجارب، اکنون نیز در شرایط بحران جاری نیروهای انقلابی و بویژه جوانان آگاه و مبارز ما باید با ارتقاء سطح آگاهی و تشدید تلاشهای مبارزاتی شان، درحالی که مبارزه خود را علیه دشمن اصلی یعنی امپریالیسم و جمهوری اسلامی با تمام جناح های ضد خلقی اش که حافظ نظام استثمارگرانه حاکم بوده و تا مغز

استخوان به امپریالیسم وابسته است، متمرکز سازند، در عین حال سیاستهای ضد انقلابی را در هر شکلی که خود را نشان می دهند شناخته و نگذارند که خون و رنج و هستی مردم زنجیده ما دستاویز پیشبرد سیاستهای ضد خلقی خطرناک امپریالیستها و وابستگان و مشاطه گرائش شود. اکنون در شرایطی که مبارزات کارگران اسیر و بجان آمده برای نان و آزادی هر روز بیش از قبل گریبان نظام حاکم را می گیرد، در شرایطی که پیکار زنان در بند لحظه ای مزدوران حکومت را در خیابانها راحت نمی گذارد، در شرایطی که جوانان آگاه و مبارز هیچ فرصتی را برای سرخه قدرت حاکم و درگیری با ماشین سرکوب آن از دست نمی دهند، در شرایطی که مبارزات خلقهای تحت ستم برای کسب حقوق عادلانه شان متوقف نمی شود و در شرایطی که برای در بند کردن هر ندای مخالف در افکار عمومی، سایه سهمگین زندانیان سیاسی در سیاهچالهای نظام و امواج دریای خونی که این رژیم با کشتار سیستماتیک آزادیخواهان در طول ۲ دهه گذشته پدید آورده، به آوازی بر سر خود این رژیم تبدیل شده، ما می بینیم که امپریالیستها در تمام عرصه های فوق برای سوار شدن بر این جنبشها و مهار انرژی انقلابی آنها به تکاپو افتاده و با صرف منابع مادی و معنوی از طریق افراد و نیروهای سیاسی خود فروخته ای در صدد نفوذ و کنترل آنها برآمده اند. امپریالیستها و کارگزارانشان در پیشبرد سیاست نفوذ در جنبشهای اعتراضی، به اسرم حمایت از جنبش کارگری برای کارگران بجان آمده "تشکلهای کارگری" دست ساز درست می کنند و به چنین جریانهای پول و امکانات و تربیون می دهند؛ سعی می کنند تا با هزار و یک ترفند برای جدا سازی جنبش زنان از مبارزه

آزادیخواهانه کل جامعه، مبارزات زنان بر علیه دشمن اصلی را از کانال خود منحرف سازند؛ دار و دسته های مرتجع مسلح که زیر نام "حقوق ملی" سنگر گرفته اند را تغذیه کرده و برای انحراف مبارزات ملی-دمکراتیک خلقهای تحت ستم و ایجاد دشمنی و نفاق بین ملت‌های تحت ستم ایران به جلوی صحنه می رانند؛ با کمک اتاقهای فکر و نیروهای جیره خوارشان می کوشند تا با نقش آفرینی نیروهای رسوا که موجودیتشان در گرو حفظ نظام سرمایه داری و سلطه امپریالیسم می باشد برای آینده پس از جمهوری اسلامی، "آلترناتیو" سازی کنند. هیچ کدام از این باصطلاح آلترناتیو ها حتی اگر در شرایط بحرانی مورد توجه و حمایت عملی امپریالیستها قرار گیرند، قادر به برآوردن کوچکترین خواست دمکراتیک کارگران و زحمتکشان ما نیستند. برعکس این "آلترناتیوها" برغم هر ادعایی که داشته باشند چون از بالا و توسط دشمنان قسم خورده مردم ما یعنی امپریالیستها ساخته و پرداخته شده اند، در واقع برای پیشبرد منافع و سیاستهای آنان که در تئوریا با منافع و سیاستهای دمکراتیک و مردمی ست درست شده اند. در شرایط ملت‌هت کثونی درک واقعیات فوق، آگاه گری در ارتباط با آنها در جامعه و کمک برای شناخت این سیاست ضد انقلابی در تمام اشکال و بالاخره عمل به وظایف خطیر مبارزاتی ای که این وضع در مقابل نیروهای واقعا دمکرات و آزادیخواه و کمونیست قرار می دهد، تنها راهی ست که نیروهای انقلابی و مبارز با پیگیری و پیمودن آن می توانند در پیشگاه تاریخ مبارزات کارگران و زحمتکشان در بند، به وظیفه خود عمل کرده و نقش مترقی خود در پیشرفت تاریخ به نفع توده های در بند را ایفا کنند.

گوشه ای از وضعیت وخیم زیست ... از صفحه ۲

در مقابل مجلس باصطلاح شورای اسلامی صورت گرفت. خبرنگار ایلنا در این رابطه نوشته است: "کارگران نساجی مازندران در تجمع امروز خود مقابل مجلس با در دست گرفتن پلاکاردهایی مبنی بر اینکه مسوولان شما را به خدا بعد از ۲۷ ماه بی حقوقی و دربه دری به داد ما واماندگان نساجی مازندران برسید اعتراض خود را به نمایندگان مجلس اعلام کردند". این تجمع اعتراضی کارگران با اضافه شدن گروه جدیدی از کارگران این کارخانه به جمع تجمع کنندگان وارد دومین روز متوالی شد. بر اساس گزارش ایلنا، کارگران تجمع کننده که روز قبل تعداد آنها از ۷۰ نفر به حدود ۱۰۰ نفر رسیده بود همچنان بر خواسته‌های قبلی خود مبنی بر بازپس گیری کارخانه از سرمایه گذار خارجی و بازگشایی آن زیر نظر مدیران دولتی، پرداخت ۲۷ ماه مطالبات معوقه ۸۰۰ کارگر باقیمانده، پرداخت سنوات کارگران بازنشسته و همچنین روشن شدن وضعیت سابق بیمه‌ای خود تاکید کردند. در این تجمع یکی از کارگرانی که نزدیک به ۲۲ سال در کارخانه نساجی مازندران کار کرده است گفت: با وجود سنگین شدن مبلغ مطالبات پرداخت نشده تا پایان سال ۹۰ در کارخانه نساجی مازندران بصورت اجرتی و سفارشی برای تجار و بازرگانان کار کردیم اما در نهایت در تاریخ ۲۱ فرودین ماه سال ۹۱ مطلع شدیم که درهای کارخانه بسته و ماشین‌های خط تولید خاموش شده‌اند. یکی از کارگران نساجی مازندران با اشاره به ۱۰ سال سابقه کاری خود در این واحد تولیدی مطرح کرد: انباشته شدن حجم مطالبات معوقه در کنار تعطیلی کارخانه باعث شده تا خانواده‌های آنها بیش از هر زمان دیگری در معرض آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی قرار گیرند. وی گفت: در بسیاری از خانواده‌ها دیگر حرف ما اعتبار ندارد، خود من مانند بسیاری دیگر از همکارانم از زور بی‌پولی مجبور به دریافت فطریه و کفاره قوم و خویش هستم. کارگر دیگری از کارخانه نساجی مازندران با بیان اینکه تجمع از سر ناچاری برگزار شده است گفت: تا زمانی که پاسخ قطعی نگیریم به خانه‌هایمان بازخواهیم گشت. در ادامه این اجتماعات اعتراضی است که سرسپرده های دست ساز رژیم حامی سرمایه داران به نام کارگر و با به اصطلاح مدافع کارگر، وارد میدان شده و در قالب دردمندی با کارگران، تلاش می کنند تا مسیر اعتراض برحق کارگران را به کجراهه بکشانند. مسلم است که هیچکدام از این افراد با درآمد و حقوق های آنچنانی و دریافت‌های ویژه خود، واقعیات دردناک استثمار کارگران توسط سرمایه داران زالوصفت را بنا به مصلحت مزدوری خود افشاء نمیکنند. همراهی آنها با خواسته‌های طبیعی کارگران فریبکارانه و برای جلوگیری از تشکل کارگران و انحراف ذهن آنها از ریشه های مصائبی ست که تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی با آن روبرویند. این یک حقیقت تاریخی در جامعه ماست که دیکتاتوری رونیای ذاتی سلطه سرمایه داری وابسته در ایران بوده و تا کنون بروشنی نشان داده شده که رژیم های حاکم چه در زمان شاه و چه جمهوری اسلامی، جهت جلوگیری از متشکل شدن کارگران، از اعمال هیچ روش سرکوبگرانه و از توسل به هیچ جنایتی کوتاهی نکرده اند. سندیکاهای ساواک ساخته شاه و نهادهای ضد کارگری ایجاد شده توسط جمهوری اسلامی نظیر شوراهای اسلامی و خانه کارگر، همه ابزار های اعمال این دیکتاتوری در زندگی کارگران بوده و هستند. در نتیجه این نهادهای ضد کارگری باید به مثابه ارگانهای سرکوب طبقه حاکم با شدت تمام آماج مبارزات کارگران مبارز قرار گیرند تا مسیر شکل گیری تشکل های واقعی و مستقل کارگری هموار گردد. امری که خود به تشدید مبارزه در جهت نابودی تمامیت جمهوری اسلامی به مثابه رژیمی وابسته به امپریالیسم گره خورده است.

ستار، کارگری که زندگی... از صفحه ۱

ستار بهشتی با مرگی فجیع در چنگال دژخیمان حاکم، جان عزیز خود را در راه دفاع از حقیقت و خدمت به محرومان از دست داد. او کوشید منعکس کننده صدای میلیونها تن از کارگران، جوانان، زنان و محرومانی باشد که در طول ۲۳ سال پیکار با حاکمیت سرکوبگر جمهوری اسلامی و از جمله در جریان خیزش توده ای سال ۸۸ مبارزات حق طلبانه شان برای برپایی یک جامعه آزاد و دمکراتیک تلاش کرده و می کنند. او جان زلالش را برای ترویج و تبلیغ این امر قرار داد که اصلاح جمهوری اسلامی امکان پذیر نیست و نجات مردم با سرنگونی رژیم و نابودی نظام وابسته کنونی گره خورده است. در عین حال مرگ ستار به جوانان مبارز ایران این پیام را در بر دارد که باید با درایت هر چه بیشتری و رعایت مخفی کاری به متشکل کردن خود جهت انجام مبارزه ای هر چه مؤثرتر با رژیم بپردازند؛ و مطمئن باشند که دیر یا زود با به میدان آمدن توده ها، طبقات استثمارگر و جنایت کار از قدرت ساقط خواهند شد. مردم بها خاسته با قدرت سهمگین خود بساط خون و جنایت کلیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم را با نیروی لایزال خویش بر انداخته و انتقام خون پاک کارگران آگاهی چون ستار ها را از جلدان شان خواهند گرفت.



۱۴ نوامبر، روز مارش بزرگ کارگران اروپا بر علیه وضع موجود

و بانک مرکزی اروپایی و... این نهادهای غارتگر مالی امپریالیستها - که ظاهراً برای "نجات اقتصاد" از بحران و بازگرداندن هر چه سریعتر "رشد و شکوفایی" طرح ریزی شده، در عمل تنها جیب سرمایه داران بزرگ و انحصارات متعلق به آنان را پر کرده و حلقوم صد ها میلیون تن از کارگران و اقشار فقیر و زحمتکش را هر چه بیشتر در زیر چنگال سرمایه داران و دولتهای حامی آنان فشرده است. اما به اعتراف بسیاری از "اقتصاد دانان" حامی نظام، حتی چنین برنامه های سختگیرانه و وحشیانه ای بر خلاف تصور برنامه ریزانشان به حل سریع بحران مرگبار کنونی منجر نخواهند شد. از سوی دیگر تعدادی از خود کارشناسان اقتصادی مدافع نظام نیز با شدت و عمق برنامه های ریاضت کشی اقتصادی به مثابه یک "نسخه" شفا بخش مخالفت کرده و از خطر گسترش شورشهای توده ای اظهار بیم می کنند. آنها هشدار می دهند که در شرایطی که هم اکنون در اسپانیا، جامعه با یک نرخ بیکاری بالا روبروست و حداقل ۲۵ درصد نیروی کار جامعه فاقد شغل است، یا در یونان و پرتغال و ایتالیا کسری بودجه و خطر ورشکستگی و فروپاشی اقتصادی، نظام حاکم را تهدید می کند چنین نسخه ای کارائی ندارد.

تحت چنین شرایطی ست که مثلاً در یونان مرد زحمتکشی که دار و ندار خود را در موج اخیر بحران از دست داده و دولت نیز کمترین حمایتی از او نمی کند، خود را در جلوی پارلمان به آتش می کشد؛ تحت چنین شرایط سیاهی ست که در ماه های اخیر حداقل در چهار مورد گزارش شده که در اسپانیا زنان و مردانی که به علت از دست دادن کار و منبع درآمدشان ورشکسته شده و قادر به پرداخت وام مسکن خود به بانکهای جیاولگر نبوده اند با دیدن مامورین ضبط خانه و یا نمایندگان بانکها به شیوه های گوناگون به زندگی خویش پایان داده و با این کار داغ تنگی بر پیشانی گردانندگان این نظام استثمارگر گذارده اند. ابعاد ناامیدی و فقدان هر گونه چشم انداز کوتاه مدت برای حل بحران باعث شده که حتی کنیف ترین و پیگیر ترین کارشناسان و چاکران نظام سرمایه داری که عریضه های ضد کمونیستی و ضد انقلابی آنان در وصف "پایان تاریخ" و تبلیغ "جاودانگی" نظام سرمایه داری گوش فلک را کر می کرد خفه خون بگیرند. در عوض، گردانندگان نظام امپریالیستی مجبور شده اند تا در راه دفع بحران کنونی با جنگ افروزی و تشدید رقابت با رقبای خود از یکسو و تشدید غارت کارگران و خلقهای تحت ستم در این مسیر خطرناک و ضد خلقی حرکت کنند. و ماهیت واقعی شعارهای عوامفریبانه مزین کننده چهره نظام سرمایه داری یعنی "دمکراسی" و "حقوق بشر" و "آزادی" شان را به نمایش بگذارند. تصویری که این اوضاع عینی در مقابل توده های تحت ستم قرار داده همان جمع بندی ایست که بصورتی داهیهانه بیش از ۱۶۴ سال پیش در مانیفست حزب کمونیست در مورد آینده این نظام استثمارگرانه به نگارش درآمده است.

در آن اثر علمی و ارزشمند در مورد روند تکامل نظام سرمایه داری و بحرانهای ذاتی آن آمده است " از چه طریقی بورژوازی بحران را دفع می کند؟ از طرفی بوسیله محو اجباری توده های تمام و کمالی از نیروهای مولده و از طرف دیگر تسخیر بازارهای تازه و بهره کشی بیشتر از بازارهای کهنه. و بالاخره از چه راه؟ از این راه که بحرانهای وسیع تر و مخرب تر را آماده می کند و از وسایل جلوگیری از آنها نیز می کاهد. (مارکس- انگلس، مانیفست حزب کمونیست)

نگاهی به اوضاع جاری نظام امپریالیستی در سطح بین المللی از کشورهای متروپل گرفته تا جوامع تحت سلطه، نشان می دهد که بورژوازی چگونه از یکسو با تشدید استثمار و سرکوب طبقه کارگر خویش در کشورهای متروپل و از سوی دیگر با تشدید لشکرکشی های نظامی، جنگ و اشغال مناطق در جوامع وابسته می کوشد ضمن نابودی "نیروهای مولده" و به زنجیر کشیدن و کشتار بیشتر خلقهای تحت ستم، بحران های مرگبار خود را دفع کند. واقعیت این است که روندی که اکنون در ورای اعتراضات و اعتصابات رشد یابنده کارگران و زحمتکشان به جان آمده در کشورهای متروپل بر علیه نظام سرمایه داری به صورت آرام ولی وقفه ناپذیر قابل رویت می باشد، همانا روند نمایش ناتوانی تاریخی این نظام ضد خلقی و ضد کارگری در برقراری یک زندگی انسانی برای آحاد جامعه است. رویدادهای جهان کنونی، جهانی که زیر سلطه بلامناع سرمایه داران و امپراطوری های بزرگ و کوچک مالی و نظامی آنان قرار دارد، هر روز بیش از قبل این حکم تاریخ را در مورد سرنوشت میلیاردها تن از توده کار و زحمت در این نظام در مقابل دیدگان آنها به نمایش می گذارد: سوسیالیسم یا بربریت! بشنید در زیر چرخهای له کننده ماشین نظام سرمایه داری انتخاب و چاره دیگری ندارد.

اعتصاب و تظاهرات گسترده میلیونی اخیر در اروپا و رشد مبارزات ضد امپریالیستی- دمکراتیک خلق های تحت سلطه در سراسر جهان نویدی برای تقویت جنبه ایست که برای نابودی قطعی این نظام نیکت بار و ارتجاعی و برقراری یک نظام انسانی می جنگد و آینده از آن اوست.

مارش بیکارچه و اعتصاب میلیونها تن از کارگران بجان آمده در اروپا در روزهای اخیر که در اعتراض به "برنامه های ریاضت کشی اقتصادی" بورژوازی حاکم، صورت گرفت بار دیگر ضمن نشان دادن جلوه دیگری از قدرت عظیم کارگران و زحمتکشان، وحشت و هراس سرمایه داران زالو صفت و دولتهای حامی آنان در این بلوک امپریالیستی را از نیروی این توده عظیم به نمایش گذارد. روزنامه "فاینانشیال تایمز" انگلیس در توضیح ابعاد اعتراضات بیکارچه اخیر نوشت "اعتراضات بر علیه برنامه های ریاضت کشی اقتصادی، اروپا را درنوردید" (۱۴ نوامبر ۲۰۱۲) در جریان اعتراضات سراسری این روز، تظاهر کنندگان در مقابل یورش نیروهای پلیس به تظاهرات به زد و خورد با آنها پرداختند. در شهر رم ایتالیا میدان مرکزی راه آهن برای مدتی به کنترل معترضین درآمد. در برخی از خیابانهای مادرید نیز کنترل برخی مناطق این شهر تا مدتی بدست تظاهرکنندگان افتاد بطوری که نیروهای پلیس حافظ نظم سرمایه داری، با مشاهده ابعاد تظاهرات و سیل کارگران و زحمتکشان خشمگین مجبور به فرار و خالی کردن صحنه شدند. به جز شهرهای بزرگ اسپانیا (مادرید و بارسلون) کارگران و توده های زحمتکش و خشمگین در شهرهای بیش از ۲۰ کشور اروپایی دیگر نظیر پرتغال، یونان، فرانسه و ایتالیا و ... چرخ تولید و خدمات را متوقف کرده به خیابانها ریختند. آنها با سردادن شعار و حمل پلاکاردهایی بر علیه بانک اروپایی و صندوق بین المللی پول، فریاد زدند "آنها آینده ما را به یغما می برند!"، "دمکراسی واقعی" و دهها شعار مبارزاتی دیگر.

به این ترتیب بخش بزرگی از طبقه کارگر اروپا در این روز به خیابانها آمد و در کارزار با نام "روز عمل و همبستگی" بر علیه سرمایه داری، اراده خود یعنی ضرورت کام برداشتن جهت تغییر وضع جهنمی ناشی از نظام استثمارگرانه موجود را به منصفه ظهور رساند. در جریان این اعتصاب و نمایش قدرت کارگران اروپایی بسیاری از شبکه های حمل و نقل زمینی و هوایی این کشورها و حتی بنادر از کار ایستاد بسیاری از مدارس تعطیل شدند و دانش آموزان و دانشجویان با پیوستن به کارگران اعتصابی و معترض کلاسهای درس مبارزاتی شان را در خیابانها برقرار کردند. در بعضی کشورها با حمله پلیس به تظاهرکنندگان، تظاهرات به خشونت کشیده شد و کینه و قهر سیاستمداران بورژوا و دولتهای حامی شان از پشت سپرها و باتون های پلیس تا به دندان مجهز سرمایه، کارگران و عمل انقلابی و متحدانه آنها را نشانه رفت. صدها تن زخمی و دستگیرهای متعدد، واکنش وحشیانه نظام هار بورژوازی در قبال کارگران و توده معترضی بود که برای احقاق حقوق طبیعی و انسانی خویش به خیابانها آمده بودند.

نمایش عمل گسترده و متحد توده کارگر و زحمتکش و تظاهرات و اعتصابات بیکارچه آنها در شرایطی اتفاق می افتد که تشدید بحران های ساختاری نظام سرمایه داری جهانی در سالهای اخیر، زندگی اکثریت آحاد محروم و ستمدیده جامعه را در ابعادی کم سابقه به فقر مرداب فقر و گرسنگی و بیکاری سوق داده است. تعطیلی و ورشکستگی پی در پی بنگاه ها و کارخانه های صنعتی و خدماتی و بیکار سازیهای انبوهی که زیر نام "تعدیل" نیروی کار از سوی دولتها و سرمایه داران آزمند صورت گرفته، کاهش وحشتناک بودجه تامین اجتماعی، سقوط درآمدهای واقعی و اندک بخشهای بزرگی از آحاد جامعه در مقابله با رشد سرسام آور تورم و گرانی و ده ها بلای بزرگ و کوچک اجتماعی و فرهنگی ناشی از این سقوط اقتصادی، توصیف کننده چهره کریه آن هیولای مرگباری ست که حاکمیت نظام سرمایه داری در سطح جهانی برای طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم به ارمغان آورده است. تحت چنین شرایط بحرانی ای ست که بزرگترین اقتصادهای جهان سرمایه داری، از آمریکا گرفته تا کشورهای حوزه یورو هر روز نشانه های آشکارتری از ناتوانی ذاتی نظام استثمارگرانه حاکم در برقراری یک زندگی انسانی برای طبقات و اقشار تحت ستم یعنی اکثریت مطلق جامعه را به نمایش می گذارند. از سوی دیگر بر بستر این بحران و رکود و ورشکستگی ناشی از آن، ابعاد تهاجم غارتگرانه طبقه حاکم به دسترنج و سفره کارگران و زحمتکشان نیز وسیعتر شده و سرمایه داران آزمند حاکم و دولتهایشان می کوشند با تحمیل هر چه بیشتر برنامه های اقتصادی ضد خلقی و ریاضت کشی به توده مردم، سود و منافع ناشی از سلطه ننگین طبقه خود را حفظ کنند. برنامه های طراحی شده از سوی صندوق بین المللی پول، بانک جهانی



گوشه ای از وضعیت وخیم زیست و معاش کارگران ایران، از ورای خبرها

سابقه شدن این کارخانه در سطح استان و پیگیری فعالان کارگری، اداره کار استان دیگر اجازه جذب نیرو در شهر قزوین را به این کارخانه نمی‌دهد، با این حال این واحد تولیدی اقدام به جذب نیرو از روستاها و شهرهای دورتر می‌کند. مضافاً آنکه به گفته دبیر خانه کارگر "واحد تولیدی اشکان چینی نیروهایش را بیشتر از بین خانمها انتخاب می‌کند و بدون پرداخت حقوق آنها را پس از چهار یا پنج ماه اخراج می‌کند."

مرگ ناشی از حوادث کار

در تمامی طول حاکمیت ننگین و جنایتکارانه رژیم اسلامی، همیشه مزد گور کن بیشتر از جان انسانها ارزش داشته است. این امر بویژه در مورد کارگران و زحمتکشانش صادق است، کسانی که نیروی کارشان در ازاء مزد ناچیزی و حتی به قیمت جان نحیف و با ارزششان، آماج تاراج کارفرماها و کارخانه داران قرار داشته و دارد. کارگران ایران اغلب در بدترین شرایط محیط کاری و عدم دسترسی به حداقل وسایل ایمنی و حفاظتی جان خود را از دست می‌دهند. نمونه آن روز یکشنبه ۲۱ آبان ماه، کارگری در حادثه سقوط تیر آهن های ساختمان در حال ساخت در خیابان شمشیری، خیابان هوایی جان خود را از دست داد. چرا؟

بهرتر است دلیل این ماجرای دردناک را از قول یک افسر آتش نشانی که برای امداد رسانی پس از این فاجعه به منطقه رفته بود بشنویم. یدالله مهرپور- افسر آماده آتش نشانی منطقه پنج عملیات- در این باره میگوید: شمع بندی غیر اصولی و رعایت نکردن اصول ایمنی سقوط تعداد زیادی از تیر آهن های ساختمان در حال ساخت را بر روی سه کارگر در پی داشت و هنگام رسیدن نیروهای عملیات این افراد در زیر آوار گرفتار شده بودند. نجاتگران آتش نشانی بلافاصله با سرعت عمل مضاعف و تلاش فراوان به وسیله تجهیزات نجات دست به کار شده و کارگران را از زیر تیرآهن های سخت و سنگین بیرون کشیدند. متأسفانه بر اثر شدت حادثه یکی از کارگران در زیر آوار جان باخته بود و دو کارگر دیگر تحویل امدادگران اورژانس حاضر در محل شدند. برای رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و سرمایه داران زالوصفت فرقی نمیکنند که کارگری در حین کار در کارخانه، یا در مزارع جسمش له و داغان شود و یا کار در ساختمان، یا در معادن دفن بشود و یا همانند جمیل سویدی جوشکار ۴۷ ساله عرب اهوازی که توسط لباس شخصی های مزدور دستگیر شود، و بعد بدون مشخص بودن علت دستگیری، جسدش تحویل خانواده اش داده شود تا در ۱۸ آبان به خاک سپرده شود! و یا ستار بهشتی کارگر ۲۵ ساله و ویلاگ نویس منتقد حکومت توسط دژخیمان جمهوری اسلامی دستگیر و تنها پس از چند روز به خانواده اش اطلاع می دهند تا برای عزیز پر پر شده شان " قبر " تهیه کنند! تنها چیزی که برای اینها مهم است این است که انباشت سود سرمایه داران، صاحبان معادن، شرکت های سراسری ساختمانی - جاده سازی ارقام نجومی را طی کند، و این امکان ندارد مگر اینکه جنایتکاران جمهوری اسلامی با سرکوب وحشیانه کوچکترین خواستههای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کارگران، شرایط بسیار ظالمانه و دردناکی را به طبقه کارگر ایران تحمیل کند. اما این خیال باطلیست که سردمداران حامی بورژوازی وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی تصور کنند که با قتل و کشتار و جنایت، و با سرکوب خواستها و مطالبات کارگران و زحمتکشانش، عمر جاودان م یابند. چرا که بدون شک این اوضاع، بطور طبیعی مقاومت کارگران و رشد مبارزاتشان آنها برای بقای حیاتشان در مقابل شرایط ظالمانه ای را بر می انگیزد که سرمایه داران زالو صفت بر آنها و خانواده هایشان تحمیل کرده اند.

برخی از اعتراضات کارگری

۲۲ آبان، بیش از ۴۰۰ تن از راننده گان بونکر و تریلر در کارخانه سیمان بجنورد اعتصاب کردند. در این مورد فرهاد هدایتی، دبیر خانه ضد کارگر خراسان شمالی به ایلنا گفت: رانندگان بیش از ۴۰۰ تریلی و بونکر حمل سیمان بجنورد به دلیل ناکافی بودن کرایه حمل بار طی دو هفته اخیر معترض بوده و اظهار کرده‌اند مبلغ کنونی کرایه حمل سیمان برایشان به صرفه نیست و در صورت عدم افزایش، با کارخانه سیمان هیچ گونه همکاری نخواهند داشت. در همین روز اعتراض کارگری دیگری با تجمع

صفحه ۲

اخبار زیر نمونه هایی از وضعیت بی حقوقی، زیست، معیشت و مبارزات کارگران تحت ستم کشورمان تحت حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می باشد. وخامت اوضاع زیست و معاش کارگران در شرایطی ست که حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی با بحران های شدید دست به گریبان است. در حالی که رژیم حاکم در گرداب معضلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دست و پا می زند و در حالی که بالابینها نیز یکبار دیگر در کشمکش بر سر قدرت بجان هم افتاده اند. با اینحال طبقه بورژوازی وابسته لحظه ای از تشدید روزمره رونده به بند کشیدن کارگران و مردم زحمتکش که در زندانی به وسعت ایران اسیر مطامع آنها شده اند، دست بر نمی‌دارد. برای نشان دادن عمق موقعیت وخیم زیست و معیشت کارگران در آبان ماه می توان به گفته های خود مزدوران رژیم جمهوری اسلامی استناد کرد که برخا در رسانه های دولتی نیز انعکاس یافته است. مورد نخست در مورد عدم پرداخت حقوق ده ها هزار کارگر است.

دستمزدهای معوقه و عدم پرداخت آنها

به گزارش خانه ملت، سید هادی حسینی در نشست علنی (یکشنبه ۲۱ آبان) مجلس شورای اسلامی خطاب به رئیس جمهور، وزیر اقتصاد، وزیر صنعت و معدن و تجارت و وزیر رفاه و تأمین اجتماعی نسبت به حقوق از دست رفته کارگران صنعت فولاد با صلاح تذکر داد و گفت: از مسئولین می خواهیم به مشکلات کارگری رسیدگی کرده و حقوق از دست رفته کارگران صنعت فولاد را بدهد، ۸۸ هزار نفر از کارگران مدتی است که حقوق خود را دریافت نکرده اند.

مورد دیگر در ارتباط با یکی دیگر از ترندهای جنایتکارانه کارفرمایان در حق کارگران است؛ به این شکل که کارگران اخراجی کارخانه اشکان چینی قزوین که در اعتراض به تعویق افتادن حقوقشان اجتماع کرده بودند به خبرگزاری ایلنا گفتند که این شرکت از بدو تأسیس هر چند وقت یک بار حدود ۱۵۰ نفر را استخدام می کند و پس از چند ماه کار بدون پرداخت حقوق آنها را اخراج می کند. این امر با اعتراض کارگران اخراجی کارخانه اشکان چینی مواجه شد، و پس از آن است که میبینیم مزدوران خود فروخته با عنوانهای مدافعین کارگران برای سرپوش نهادن به ریشه استثمار کارگران توسط زالو صفتان سرمایه دار با به میدان میگذارند و با توجیحات مختلف می کوشند نقش سیستم ضد خلقی حاکم و دولت را در بالا کشیدن دسترنج کارگران بیوشانند. در اینکه در نظام استثمارگر حاکم، زمینه و میدان برای غارتگری حق و حقوق کارگران و زحمتکشانش، برای سرمایه داران آماده و مهیاست، شکی نیست. اما تمام سعی دست اندر کاران رژیم در حوزه کارگری این است که با انداختن همه مسایل به "شیوه مدیریت"، کل سیستم سرمایه داری و سرمایه داران را از آماج خشم کارگران به کنار زنند. در همین رابطه است که دبیر خانه ضد کارگر قزوین، عید علی کریمی، از شیوه مدیریتی!!! کارخانه اشکان چینی انتقاد کرده و اظهار میدارد: این واحد تولیدی در آغاز کار ۲۰ میلیون یورو وام از دولت دریافت کرده است و قرار بود برای ۱۰۰۰ اشتغال زایی ایجاد کند که این موضوع هیچگاه محقق نشد. گاه نیز چنین افرادی تنها به گوشه ای از واقعیت استثمار وحشیانه کارگران اشاره می کنند، البته بدون آن که سیستم سرمایه داری و رژیم جمهوری اسلامی را عامل اصلی چنین وضعی بخوانند. مثلاً رئیس کانون شورای اسلامی استان قزوین، محمد احمدی در این مورد می گوید: کارخانه اشکان چینی در طول نزدیک به شش سال فعالیتش هر چند ماه اقدام به استخدام نزدیک به ۱۵۰ نفر نیروی کار در کارخانه می‌کند و پس از چند ماه کار آنها را بدون پرداخت بیمه و حقوق اخراج می‌کند. و به خاطر بد

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید.

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید.

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

ipfg@hotmail.com

آدرس پست الکترونیک:

